جنگ در سال هفتم

قسمت اول

مشخصهٔ حاکم بر جنگ در هفتمین سال، سرعت تحولات، پیچیدگی و گسترش دامنه آن بود. پیدایش این وضعیت به منزله آغاز شمارش معکوس برای خاتمه یافتن جنگ ارزیابی می‌شد. به عبارت دیگر، با تنوع، شدّت و سرعت وقوع رخدادهای جنگ، تدریجاً کلیه ظرفیت‌های لازم برای تداوم جنگ، رو به اتمام بود. به همین دلیل با مشاهده علائم موجود، برخی از تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کردند که زمان خاتمه یافتن جنگ فرا رسیده است. نقطه ثقل پیدایش وضعیت جدید در جنگ، با تغییر توازن به سود ایران پس از فتح فاو و توانایی ایران در حفظ آن و متقابلاً ناتوانی عراق برای بازپس‌گیری آن، آغاز شد. آیت‌الله هاشمی فرمانده جنگ با توجه به همین وضعیت، در جمع فرماندهان و مسئولان سپاه گفت:

در محاسباتی که تاکنون شده، به نظر ما هیچ شرایطی بهتر از اینکه تسریع کنیم در پیشبرد کار جنگ به چشم نمی‌خورد.

ایشان سپس با اشاره به وضعیت اقتصادی کشور چنین تأکید کرد:

وضع عمومی کشور و شرایط اقتصادی کشور هم ایجاب می‌کند که ما این مسئله را اگر بتوانیم زودتر به نقطه‌ای برسانیم آقای هاشمی رفسنجانی یک روز بعد در نمازجمعه تهران مجدداً تأکید کرد:

وضع جنگ الآن به جایی رسیده که هر محاسبه‌ای نشان می‌دهد ما باید هرچه زودتر جنگ را به پایان برسانیم به همین دلیل آقای هاشمی در این وضعیت، چنین معتقد بود:

تا زمانی که جنگ به چیزی نیاز دارد، مصرف کردن آن در غیر جنگ سزاوار نیست و همه باید همه چیز خود را در اولویت در خدمت جنگ قرار دهند.

در این مرحله اعلام شعار "تعیین سرنوشت جنگ" محور فراخوانی نیروهای داوطلب و به کارگیری و اختصاص امکانات کشور برای جنگ بود. آقای هاشمی درباره مفهوم این شعار گفت:

با برنامه‌هایی که داریم جنگ را به جایی خواهیم رساند که پیروزی ایران مشخص شود.

فرماندهٔ کل سپاه نیز درباره مفهوم شعار تعیین سرنوشت جنگ، طی تحلیلی گفت:

سال سرنوشت، قطعاً سال آخر معنی ندارد، ضمن اینکه می‌تواند سال آخر هم در آن مفهوم داشته باشد. سال سرنوشت به این معنی است که اگر امسال ما جهتی در امر جنگ پیدا نکنیم عواقب بسیار سختی را در پیش داریم.

بدین ترتیب ضرورت دستیابی سریع‌تر به پیروزی، برای خاتمه دادن به جنگ، فعالیت‌های همه‌جانبه‌ای را سازمان و گسترش داده بود که کاملاً بر روند تحولات هفتمین سال جنگ سایه افکنده‌بود. در چنین موقعیتی افشای ماجرای مک‌فارلین در ۱۳ آبان ۱۳۶۵ کلیه تحولات سیاسی و نظامی جنگ را تحت تأثیر قرار داد. با در نظر گرفتن اهداف و ماهیت گفت‌وگوهای پنهانی ایران و آمریکا، به نظر می‌رسد علاوه بر اینکه امکان خاتمه‌یافتن جنگ از میان رفت، سلسله حوادث و اقداماتی که به‌تدریج علیه ایران صورت گرفت، بدون تردید متأثر از افشای ماجرای موسوم به مک‌فارلین بود و اوضاع را بیش از گذشته برای ایران سخت و دشوار کرد.

زمینه‌های شکل‌گیری مذاکرات پنهانی مقامات آمریکایی با عناصر ایرانی، با مبادله قطعات یدکی نظامی به ایران در مقابل آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان، از سال ۱۳۶۴ آغاز شد. ناتوانی آمریکایی‌ها، به‌رغم تلاش‌های سوریه، برای حل معضل گروگانگیری در لبنان و هواپیمای ربوده‌شده تی.دبلیو.ای (T.W.A) در ۲۴ خرداد ۱۳۶۴و متقابلاً میانجیگری ایران در حل معضل هواپیمای تی. دبلیو.ای (T.W.A) پس از سفر آقای هاشمی به سوریه در تیر ۱۳۶۴، توجه آمریکا را مجدداً به ایران معطوف کرد. البته عوامل دیگری در این ماجرا مؤثر بود که پس از افشای آن، ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا به آنها اشاره می‌کند:

اکنون هجده ماه است که طی یک ابتکار سیاسی محرمانه ارتباط با ایران را در جریان کار خود قرار داده‌ایم. برای استفاده از این ابتکار ساده‌ترین و بهترین دلائل را در اختیار داریم: ۱- تجدید روابط با ایران. ۲- اقدامی شرافتمندانه برای خاتمه دادن به جنگ شش ساله ایران و عراق. ۳- محو کردن تروریسم دولتی و خرابکاری. ۴- تأثیر بخشیدن به روند بازگشت تمامی گروگان‌ها.

بنابر نوشتهٔ فارین‌ریپورت چاپ لندن، در گزارش سری کیسینجر به ریگان ضرورت گشودن کانال‌های ارتباط مستقیم و غیرمستقیم برای مذاکره با ایران تأکید شده است و ریگان براساس همین توصیه برای برقراری رابطه آمریکا با ایران اقدام کرده است. طبق نظر کیسینجر، درصورتی که یک جناح میانه‌رو و قدرتمند مایل به گفت‌وگو با آمریکا در بین رهبران ایران وجود نداشته‌باشد، هیچ‌گونه پیوند و مصالحه‌ای میان دو کشور برقرار نخواهدشد. بر پایه همین ملاحظه، آمریکایی‌ها مذاکرات محرمانه‌ای را از طریق یک میانجی در لندن آغاز کردند و امیدوار بودند با بهره‌برداری از اختلاف‌نظر میان جناح‌های سیاسی ایران با ارائه امتیاز به میانه‌روها برای تحکیم موقعیت آنها تلاش نمایند.

متعاقب تماس‌ها و اقدامات دوجانبه‌ای که از سال ۱۳۶۴ آغاز شد، در ماه‌های پایانی همین سال توافقات لازم برای سفر هیئت آمریکایی به تهران انجام گرفت. صبح روز یکشنبه ۲۵ مه ۱۹۸۶ (۴ خرداد ۱۳۶۵) هیئت آمریکایی شامل مک‌فارلین، نورث، کیو، تیچر، نیر و رابط سیا وارد تهران شدند. معطلی بیش از یک ساعت و عدم حضور افرادی برای استقبال، اولین نگرانی هیئت آمریکایی بود که در مذاکرات به عنوان گلایه عنوان شدهیئت آمریکایی پس از استقرار در هتل، اولین دور مذاکرات خود را در ساعت۱۷ آغاز کردند. در این جلسه هیئت آمریکایی به ریاست مک‌فارلین نظریات خود را در زمینه‌های مختلف بیان کردند و متقابلاً نظریات و پاسخ‌های هیئت ایرانی را استماع کردند.

در این جلسه اولویت اصلی، ساختن پل اطمینان ذکر شد و مک‌فارلین حضور خود را در ایران به نمایندگی از طرف رئیس‌جمهور آمریکا به نشان شروع فصلی جدید در مناسبات دو کشور ذکر کرد. وی تأکید کرد که برای نشان دادن حسن‌نیت آماده است برخی از اقلام مورد نیاز ایران را تأمین نماید. طرف ایرانی نیز اظهار کرد: به هرحال انتظار داریم که اقلام بیشتری از طرف شما دریافت نماییم تا در موقعیت بهتری از جهت رهبران خود باشیم. ایران ۶ سال است که درگیر جنگ است. تصرف فاو موفقیت بزرگی بود. ما انتظار تجهیزات بیشتری را داریم. همچنین طرف ایرانی درباره میزان حمل سلاح به ایران توسط هواپیماهای هیئت آمریکایی و مستعمل بودن برخی از قطعاتی که پیش از این ارسال شده‌بود، اعتراض کرد. نورث محدودیت سوخت و وزن برای هواپیما را علت محدودیت در حمل سلاح ذکر کرد. بدین ترتیب جلسه در ساعت ۱۹ به پایان رسید.

دور دوم مذاکرات روز ۲۶ مه ۱۹۸۶ (دوشنبه ۱۳۶۵/۳/۵) ساعت ۱۵:۳۰ آغازشد. نگرانی از عدم پیشرفت در مذاکرات سبب گردید نورث اظهار کند: ما سردرگم و نگران هستیم. علت این مسئله مخالفت برخی از مقامات در دولت آمریکا درباره مذاکره با ایران بود. وی گفت: «اکنون بیش از یک روز است که در اینجا هستیم و کسی با ما صحبت نمی‌کند. مک‌فارلین در ادامه صحبت‌های نورث گفت: هدف از آمدن به اینجا ایجاد اساسی برای اعتماد و سپس پرداختن به مسائل مهم می‌باشد. منظور از موضوعات مهم از نظر وی، موضوعاتی درباره شوروی و افغانستان و عراق بود لازمه صحبت در این زمینه ملاقات با وزیران بود. لذا در جلسه اظهار کرد: مایلم با وزیران شما ملاقات نمایم.

وی علت این درخواست را عمدتاً به دلیل موقعیت خودش می‌دانست، لذا گفت: از آنجا که من در سطح وزیر هستم، انتظار دارم با مقامات تصمیم‌گیرنده ملاقات نمایم در غیر این صورت می‌توانید با کارمندان من صحبت نمایید.

دور دوم مذاکرات در ساعت ۱۶ پایان یافت و به نظر می‌رسید انتظار هیئت آمریکایی این بود که برای تصمیم‌گیری به ملاقات در سطوح بالاتر نیاز است. در دور سوم مذاکرات که ساعت ۱۹:۳۰ همان روز آغاز شد مک‌فارلین در جلسه شرکت نکرد و نورث صریحاً اظهار کرد: چیزی که ما به آن امید بسته بودیم توافق در خصوص جهت گفت‌وگوها بین ایران و آمریکا بود. برای این هدف تصمیمات سیاسی لازم است. وی همچنین درباره لو رفتن مذاکرات قبل از دستیابی به نتایج روشن، به‌ویژه ازسوی روس‌ها، نگران بود. وی یکی از نقطه ضعف‌های اساسی را فقدان ارتباطات امن ذکر کرد.وی همچنین گفت: اگر بدون برداشتن موانع به خانه‌های خود برگردیم، موانع جدیدی در آینده بروز خواهد کرد. هوارد تیچر در این جلسه بخشی از تهدیدات شوروی علیه ایران از جمله استقرار لشکر در نزدیکی‌های ایران و اجرای تمریناتی برای اقدامات نظامی علیه ایران را برشمرد. جورج کیو یکی دیگر از اعضای هیئت آمریکایی اعلام کرد: ما برای توجیه اطلاعاتی هشت ساعت مواد (مطالب) توجیهی در اختیار داریم.

در ادامه گفت‌وگوها مسائلی مبادله شد که تا اندازه‌ای دشواری‌ها و موانع را آشکار ساخت. طرف ایرانی در سخنان خود گفت: «پذیرش سفر مک‌فارلین به ایران یک تحول جدید سیاسی بوده‌است لیکن یک سوءتفاهم به وجود آمده‌است. زیرا سفر به معنای انجام گفت‌وگوهای مستقیم نبود.» نورث در برابر این اظهارات، گفت: وی به مک‌فارلین گفته‌است با رئیس‌مجلس آقای‌رفسنجانی، آقای‌موسوی نخست‌وزیر و پرزیدنت خامنه‌ای ملاقات خواهد کرد. نورث تکرار کرد: قربانی‌فر درحالی که آقای جورج کیو حضور داشت، گفت که گروه آمریکایی با مقامات عالی‌رتبه ایران ملاقات خواهند کرد مقام ایرانی اظهار کرد: قبلاً موافقت شده‌بود که نورث به تهران بیاید و ترتیب کارها را بدهد و دستورکار جلسات را تنظیم نماید. برابر آخرین مذاکره تلفنی، صحبتی از جلسه در سطح وزیر نبوده‌است و سوابق موجود است نورث مجدداً سؤال کرد: آیا می‌توانیم ترتیب ملاقاتی سری بین مک‌فارلین و رهبران شما را بدهیم. قرار شد این درخواست منتقل شود و ادامه مذاکرات در ساعت ۱۰ صبح روز ۲۷ مه (۱۳۶۵/۳/۶) با بحث‌هایی که جنبه سیاسی دارد پیگیری شود. جلسه در ساعت ۱/۵ بامداد پس از یک بحث سنگین به پایان رسید.

تهیه‌کننده: مریم بدر رجایی

به یاد شهیدان خلبان یحیی شمشادیان و احمد کلوندی

بالگرد بدون کابین

در یکی از روزهای سرد و زمستانی سال ۱۳۶۰ شمسی در پادگان ابوذر سرپل ذهاب به عنوان هماهنگ‌کننده عملیات پرواز و مسئول نگهداری بالگردها سرگرم خدمت بودم هنوز آفتاب عالم تاب نتابیده بود که به من خبر دادند خلبان یحیی شمشادیان به همراهی خلبان احمد کلوندی قصد دارند که به شکار ادوات زرهی دشمن بروند، کار اول من این بود که با رکن سوم پایگاه هوانیروز کرمانشاه تماس بگیرم و پرواز را هماهنگ کنم. من ضمن اشاره دست به یحیی علامت مثبت دادم. ایشان سوار بالگرد شد. بالگرد جنگی کبرا مثل همیشه آماده نبرد بود. یحیی کمربند ایمنی را بست. از دور ناظر پرواز بودم. برای پیروزی و سلامتی آنها شروع به دعا و نیایش کردم. بعد شروع به خواندن آیت الکرسی کردم. دور ملخ‌های بالگرد کامل شد و افراد مسئول برق اضطراری و کروچیف از آن فاصله گرفتند. خلبان شمشادیان با همراهی خلبان احمد کلوندی با تکان دادن سر و دست از ما خدا حافظی کردند و به سمت دشت اشغال شده ذهاب رهسپار شدند. پادگان در دامنه کوه قرار داشت و سرمای زمستانی شروع شده بود. ما بعد از اتمام کار و برای فرار از سرما و صرف صبحانه به طرف سالن رفتیم. یک ساعتی از پرواز بچه‌ها گذشته بود که به ما اطلاع دادند بالگرد درحال بازگشت به پادگان است. ما هم برای استقبال از خلبانان وارد محوطه پرواز

شدیم. بالگرد در اوج آسمان قرار داشت و با حرکاتی عجیب و غریب به طرف ما می‌آمد. اول فکر کردیم که اشتباه می‌کنیم؛ اما با عکس‌العمل پرسنل، یقین حاصل کردیم که برای بالگرد اتفاقی افتاده است. بالگرد در نزدیکی آسمان باند قرار داشت. همه در تلاش بودند که او را روی باند قرار بدهند. بالاخره عقاب زخمی ما با حالتی غیر عادی به خط H باند نزدیک شد. با دیدن بالگرد متوجه شدم که قسمتی از کابین جلو و تمام شیشه‌های سه طرف آن از دو سمت چپ و راست خرد و منهدم شده است. چشم‌های نگران همقطاران به ملخ‌ها دوخته شده بود. آیا ملخ‌ها به دور صفر می‌رسند؟ در هر حال در فضایی سنگین و پر اضطراب، بالگرد منهدم شده و نیمه جان روی اسکیت‌ها قرار گرفت. همه کنجکاو و نگران بودند. این بار نگاه‌ها به طرف خلبانان دوخته شد. ما به سر و کلاه آنها نگاه می‌کردیم. شاید از سلامتی آنها اطلاع یابیم. من و چند نفر از پرسنل با عجله از کناره‌های بالگرد بالا رفتیم. هر دو خلبان مانند مجسمه خشک روی فرامین خوابیده بودند.

با نگرانی آنها را صدا زدیم: یحیی! یحیی! احمد! احمد! هیچ حرکتی از آنها سر نمی‌زد. اصلاً تکان نمی‌خوردند. هر دو یخ زده بودند و فرامین را محکم در دست داشتند. بدنشان مثل تکه‌ای یخ شده بود. سریع آنها را بغل زده و پایین آوردیم. آنها را کنار بخاری گذاشته و چند پتو به آنها پیچیدیم. یکی از پرسنل با عجله به سراغ پزشک رفت و ما شروع به ماساژ دست و پاهاشان کردیم تا شاید یخزدگی‌شان از بین برود. شعله بخاری را بالا زدیم و با زور چند استکان چای داغ در گلویشان ریختیم.

در نهایت با مراجعه به پزشک و اقدامات انجام شده توسط آنان، بعد از چند ساعت آرام آرام حالشان بهتر شد. من به سراغ احمد کلوندی رفتم، گوشه پتو نشستم و صورتش را بوسیدم و پرسیدم: احمد آقا! چه اتفاقی برایتان افتاده بود؟ کلوندی چون در طرف کابین عقب بالگرد نشسته بود. حالش از یحیی کمی بهتر بود. او آرام و شمرده گفت: صبح زود وقتی که از اینجا پرواز کردیم و مستقیم روی تانک و توپ‌های دشمن قرار گرفتیم. بیشتر نیروهای عراقی خواب بودند و ادوات زرهی آنها در چند ردیف قرار گرفته بودند. فرصت مناسبی بود تا وقت را غنیمت بشمریم پس با خیالی راحت با راکت و موشک همه آنها را مورد حمله قرار دادیم. طوری که من و یحیی تصمیم گرفتیم در شلیک موشک و راکت صرفه‌جویی کنیم! با یک موشک ضد تانک (تاو) دو تانک را همزمان به آتش می‌کشیدیم. احساس کردیم تا آنان از خواب بیدار شوند، باید کار را تمام کنیم. کلوندی بعد از مکث کوتاهی نفس عمیقی کشید و ادامه داد: من در کابین عقب سرم داخل سایت تیر اندازی بود که با دقت تیراندازی کنم که ناگهان بالگرد تکان شدیدی خورد احساس کردم که پشت سرم آتش گرفته است. در این فاصله صدای یحیی را شنیدم که گفت: احمد ما را زدند، می‌خواهم دور بزنم.

به یحیی گفتم: نه! اجازه بده این موشک را هم شلیک کنم. بعد از شلیک موشک و انهدام همزمان دو تانک، سرم را از روی دوربین بلند کردم و گفتم: یحیی! حرکت کن کارم تمام شد. همزمان در شرایط جوی بسیار عجیب و متغیری قرار گرفتیم از درجه گرمای ۱۰۰ درجه به درجه صفر رسیدیم. سرما تمام وجودمان را فرا گرفته بود. نگاهی به اطرافمان انداختیم، تازه متوجه شدیم که در کابین وتمام شیشه‌های اطراف بالگرد توسط گلوله مستقیم تانک منهدم شده بود. این تغییر دما و باد غیر قابل تحمل حاصل چرخش ملخ‌های بالگرد به داخل کابین بود. اول فکر می‌کردیم که فرامین صدمه دیده یا قسمتی از بالگرد دچار مشکل فنی شده است؛ اما با لطف خداوند متعال فرامین بالگرد مشکل خاصی نداشت. ناچار شدیم با دور زدن به طرف پادگان با احتیاط کامل و سرعت بسیار کم به سمت نیروهای خودی پرواز کنیم، از طرف دیگر ارتفاع ما بالا بود و باد سرمایی که به طور مستقیم به درون می‌آمد، مشکل ما را دوچندان کرده بود. این گرفتاری باعث شد که وقتی روی پادگان رسیدیم، دیگر دست و پاهایمان از حرکت ایستاده بودند. تلاشمان را دو چندان کردیم که فقط فرامین را کاملاً در دست داشته باشیم. دیگر توانی برای نشستن روی باند را نداشتیم. فقط لطف خداوند و دعاهای خیر مردم است که در چنین حالت خاصی به زمین نشستیم و از این خطر هولناک نجات پیدا کردیم وگرنه چگونه ممکن است یک گلوله تانک با آن قدرت و صدای انفجار شدید با برخورد به یک بالگرد جنگی فقط به قسمتی از آن صدمه بزند و هیچ‌گونه مشکل و آسیب جدی به تجهیزات و قطعات مهم آن وارد نکند؟!

این را فقط می‌توان معجزه و لطف خدا به ما و مردم ایران دانست. از طرفی دیگر این عملیات بسیار حساس و پر بار بود؛ چرا که ما با هر راکت دو تانک را منهدم می‌کردیم. تجربه‌ای که به نظر من باید آن را در دانشکده‌های نظامی به دانشجویان درس داد. با پایان یافتن حرف‌های احمد کلوندی همه پرسنل دور او حلقه زدند و یکی یکی او را در آغوش کشیدن و با صدای بلند شکرگزاری کردند و برای سلامتی این دو خلبان شجاع صلوات بلند ختم کردند. لازم به ذکر است که این خلبانان رشید و شجاع -یحیی شمشادیان و احمد کلوندی - در عملیات‌های بعدی شجاعانه و افتخارآمیز در اوج آسمان به درجه رفیع شهادت رسیدند و همه ما را برای همیشه داغدار کردند.

راوی: سروان فنی هوایی سید حیدر حسینی

تدوین: سرهنگ دوم خلبان بهرام مرادی

عکسی از یک شهید ایرانی که با هزاران پیام جهانی شد

این عکس ۲۸ اسفند ۱۳۶۳ در جنوب بصره گرفته شده است.

استخبارات عراق بعد از شکست در عملیات کربلای ۵، برای ترمیم ابعاد خبری و جهانی آن خبرنگاران را به بازدید صحنه درگیری با ایران، برده است، عکاسی به نام "پاولوسکی" عکسی از یک شهید بسیجی جوان می‌اندازد که جاودانه می‌شود، و کل دنیا را حیرت‌زده می‌کند.

خبرنگاران برای عکس این شهید می‌نویسند:

پسرک آرام خوابیده، مثل هر پسر جوانی که پس از ساعت‌ها تلاش، به خواب سنگینی فرورفته باشد، رنگ چهره‌اش نشان می‌دهد چند روزی‌ست که همین جا آرمیده. قیافه زیبا و معصومش نشانی از وحشت و درد ندارد. حالت دست‌هایش شبیه کسی است که در خنکای یک سحر بهاری، شیرین‌ترین قسمت از بهترین خواب‌های عالم را تجربه می‌کند. جورابش نو است. او تنها کسی نیست که لباس تمیز و عطر، برای عملیات کنار می‌گذاشت. کفش به پا ندارد. کوله پشتی‌اش خالیست. فانوسقه‌اش باز شده. پسر رشیدمان، آنقدر عمیق خوابیده بوده که هرچه داشته، برده‌اند و او بیدار نشده است. و یک دنیا گل وحشی بدن نازنینش را در برگرفته‌اند.

آگهی تغییرات شرکت کهن ساختمان سازه سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۶۷۰۰ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۲۲۱۲۰۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای پرویز سرآمد به شماره ملی ۰۰۴۰۹۶۲۷۵۱ به سمت رئیس هیأت مدیره خانم مریم عبدی ساران به شماره ملی ۰۰۶۲۱۶۴۸۸۰ به سمت نائب رئیس هیأت مدیره آقای محمد علی علیجان زاده به شماره ملی ۶۱۹۹۱۵۱۹۰۹ به سمت عضو هیأت مدیره انتخاب گردیدند. آقای حسین خوش چشم آرانی به شماره ملی ۶۱۹۹۵۴۹۳۳۳ (خارج از اعضاء و سهامداران) به سمت مدیرعامل شرکت انتخاب گردید. کلیهٔ اسناد تعهدآورشرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها، عقود اسلامی و اوراق بهادار و بانکی با امضای ثابت آقای اصغر معماری فرد به شماره ملی ۶۱۹۹۱۱۸۳۶۷ (مدیر مالی شرکت) به انضمام یکی از امضائات رئیس هیأت مدیره یا نائب رئیس هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. همچنین مکاتبات و نامه‌های اداری شرکت با امضای مدیر عامل یا یکی از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۲۳۴۸۹۳)

آگهی تغییرات موسسه تک منظوره فرهنگی و هنری شبکه مترجمین ایرانیان به شماره ثبت ۴۵۸۳۲ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۹۲۶۳۸۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۳۱ و مجوز به شماره ۱۴۰۰/۱/۱۰۰۲۸ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۱۰ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصمیمات ذیل اتخاذ شد : خانم سمانه عبداله زاده به شماره ملی ۰۰۶۸۴۸۶۹۲۸ با پرداخت مبلغ ۴۲۰۰۰۰۰۰ ریال به صندوق موسسه در زمره شرکا شرکت قرار گرفت سرمایه موسسه از مبلغ ۱۰۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به ۱۴۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. لیست شرکا پس از افزایش سرمایه : آقای مصطفی سعیدنژاد به شماره ملی ۰۰۷۶۰۹۶۶۴۵ دارنده ۶۳۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه خانم نغمه صفاری آشتیانی به شماره ملی ۰۴۵۱۷۳۴۲۵۴ دارنده ۴۲۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه خانم سمانه عبداله زاده به شماره ملی ۰۰۶۸۴۸۶۹۲۸ دارنده۴۲۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۲۳۴۹۰۸)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی (نوبت دوم) و مجمع عمومی فوق العاده (نوبت اول) انجمن صنفی راهنمایان گردشگری استان مرکزی

به اطلاع عموم اعضاء می رساند جلسه مجمع عمومی عادی نوبت دوم و مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول انجمن صنفی راهنمایان گردشگری استان مرکزی به شماره ۲۲۱-۳/۱-۲۸ رأس ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ روز یکشنبه در محل اراک موزه قلعه وکیل واقع در انتهای خیابان نیسانیان (چمران) کوچه قلعه برگزار می گردد. شخصا در جلسه مذکور حضور به هم رسانند و نسبت موارد ذیل اتخاذ تصمیم نمایند.
دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده و عادی: ۱- تغییرات برخی از مواد اساسنامه ۲- بررسی صلاحیت اعضای مورد تایید مجمع ۳- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس ۴- انتخاب بازرس اصلی و علی البدل

هیئت مدیره انجمن

شماره های تماس جهت درج آگهی در روزنامه جمهوری اسلامی:
۷۷۶۴۴۴۱۰-۷۷۶۴۴۴۱۱
نمابر: ۷۷۶۴۴۴۱۲

آگهی تغییرات شرکت فرادست انرژی فلات سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۶۰۷۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۵۶۸۵۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : موسسه حسابرسی و خدمات مالی حافظ گام به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۸۴۰۳۵ به سمت بازرس اصلی و آقای مرتضی میرزایی به ش ملی ۳۹۳۴۳۰۹۶۱۵ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۲۳۴۹۰۶)

مجمع عمومی عادی نوبت اول

بدینوسیله از کلیه اعضای شرکت تعاونی مسکن شهرداری سرعین دعوت به عمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی عادی (نوبت اول) این شرکت تعاونی که راس ساعت ۱۵:۳۰مورخه چهارشنبه ۱۴۰۰/۱۰/۱واقع در سرعین-کمربندی اردی موسی میدان سوم خرداد مجتمع ۱۵۶واحدی پارسه شرکت تعاونی مسکن کارکنان شهرداری سرعین برگزار خواهد شد حضور بهم رسانید.
دستور جلسه: ۱- انتخاب و تکمیل اعضای هیئت مدیره وانتخاب بازرس تعاونی

هیئت مدیره تعاونی مسکن کارکنان شهرداری سرعین

آگهی دعوت

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت ادب‌منش (سهامی خاص) ثبت شده بشماره ۳۶۴۶۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۱۸۸۷۹ دعوت بعمل می‌آید که در رأس ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۱ جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده واقع در محل دفتر مرکزی شرکت بنشانی: تهران - خیابان سعدی جنوبی - کوچه بوشهری - خیابان لاله‌زار - پلاک ۱۱۹ - ساختمان اقتصاد - طبقه سوم - واحد ۶ کدپستی ۱۱۴۴۷۱۳۱۷۶ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند.
دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده:
۱. انتخاب بازرسین ۲. انتخاب روزنامه کثیرالانتشار ۳. تصویب ترازنامه و صورت حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۱۲/۳۰

هیئت مدیره

پروانه طبابت دکترای پزشکی به شماره پروانه ۹۲-۴۱۵۷۳-۲۹۱ به تاریخ صدور ۱۳۹۵/۹/۲۱ به نام دکتر علی صالحی ده پاگائی به کد ملی ۲۴۳۱۷۵۶۱۵۷ جهت طبابت در شهر کامفیروز از توابع مرودشت صادره از سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. شیراز

آقای کورش حیدری سورشجانی

احتراما به اطلاع می رساند همسر شما به در دست داشتن دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۲۳۹۰۰۰۰۱۴۵۶۹۰۷ مورخه ۱۴۰۰/۶/۲۷ مبنی بر قطعیت حکم به این دفتر خانه مراجعه وطی آگهی روزنامه در مورخه ۱۴۰۰/۹/۴ به شما ابلاغ گردید ومتاسفانه دراین دفتر خانه حضور پیدا نکردید. لذا طلاق همسر شما در مورخه ۱۴۰۰/۹/۱۳ ذیل شماره ترتیب ۳۴۹ ثبت گردید . مراتب جهت اطلاع حضورتان ارسال می گردد.

صفرعلی کیانی - سردفتر ازدواج ۱۶۱ و طلاق ۳۷ سورشجان

سندمالکیت (برگ سبز) اتومبیل سواری پراید مدل ۱۳۸۷ به رنگ نقره ای - متالیک به شماره انتظامی ۶۳-۷۶۳ل۳۴ و شماره شاسی s۱۴۱۲۲۸۷۴۵۳۷۱۱ و شماره موتور ۲۳۰۲۳۸۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (خورموج)

سندکارخانه، سندمالکیت (برگ سبز) و کارت شناسایی اتومبیل سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۵ به رنگ خاکستری متالیک به شماره انتظامی ۸۳-۱۵۵ن۵۷ و شماره شاسی NAAM۰۱CE۰GK۴۰۴۴۴۰ و شماره موتور ۱۲۴K۰۷۷۷۴۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. (خورموج)

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری ساینا مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ۹۱۸و۶۲ایران ۱۰ به شماره موتور M۱۵/۸۵۶۸۳۶۹ به شماره شاسی NAS۸۳۱۱۰۰J۵۷۷۰۷۳۴ بنام اعظم جلالی به شماره ملی ۱۸۱۷۹۱۷۰۱۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. کنگاور

برگ سبز کامیونت ون نیسان به رنگ آبی مدل ۱۳۸۸ به شماره انتظامی ۲۹-۵۶۳ب۴۴ وشماره موتور ۵۱۲۴۵۷ و شماره شاسی NAZPL۱۴۰TBM۲۲۰۳۶۵ مفقودگردیده و از درجه اعتبار ساقط است. سرابله

کلیه مدارک (برگ سبز،سند مالکیت،برگ کمپانی و...) خودرو سواری پژو تیپ ۴۰۵GLXI به رنگ نقره‌ای- متالیک مدل۱۳۹۰ به شماره پلاک ۵۴۱ق۱۹ ایران ۱۹ به شماره موتور ۱۲۴۹۰۰۴۹۱۶۶ به شماره شاسی MAAM۱۱CA۲BK۶۴۴۶۰۱ بنام فردین پیری سلطانکوهی به شماره ملی ۳۲۴۰۴۸۸۰۳۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. کرمانشاه

اصل سندکمپانی سواری پرایدبه رنگ سفید مدل ۱۳۹۵ به شماره انتظامی ۹۸-۲۱۶ل ۲۴ وشماره موتور۵۵۳۴۳۴۵ وشماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰G۱۱۸۱۵۰۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط است. سرابله

سند کمپانی و برگ سبز وانت دو کابین مزدا ۱۶۰۰ به شماره انتظامی ۵۶۷ ه ۱۳ ایران- ۴۳ شماره موتور ۲۳۲۷۴۹ و شماره شاسی ۷۷۱۶D۰۰۵۰۲ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. (زرین شهر)

سند مالکیت (برگ سبز) و کارت شناسایی خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید به شماره انتظامی ۴۸-۵۵۴س۵۹ و شماره شاسیNAAP۰۳EE۸LJ۰۳۷۵۳۵ و شماره موتور ۱۶۵A۰۱۷۸۹۳۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سندکارخانه سواری سایپا مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۴۸-۹۸۴د۱۲ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰E۱۳۳۷۹۶۲ و شماره موتور ۵۰۲۶۶۲۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سند کارخانه و سند مالکیت (برگ سبز) اتومبیل سواری پراید مدل ۱۳۸۶ به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره انتظامی ۵۸-۳۷۸ب۹۷ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۳۳۳۷۷۸ و شماره موتور ۱۹۶۸۸۲۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ب)

سند کمپانی، کارت شناسایی و کارت سوخت موتور سیکلت هوندا شباب ۲۰۰ CC برنگ آبی به شماره موتور ۰۲۰۰N۱U۷۰۲۱۷۸ و به شماره شاسی N۱U۲۰۰F۹۵۰۱۹۱۹ متعلق به آقای حسین بیغوله مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (سلمانشهر)

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری سایپا SE۱۳۱ مدل ۱۳۹۸به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک۶۱-۵۲۸و۳۱ به شماره موتور M۱۳/۶۳۷۷۵۴۸ به شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰K۳۵۶۹۲۰۵ مربوط به آقای یاسرمردی فرزند ناصر به شماره ملی ۳۷۴۶۰۱۰۲۰۳۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد. (مریوان)

برگه کمپانی خودرو: سواری سیستم: پژو۴۰۵ رنگ: بژ- متالیک مدل خودرو: ۱۳۸۳ شماره پلاک: ۶۱ ایران ۱۸۸ ن ۱۳ شماره شاسی: ۸۳۰۷۲۲۰۸ شماره موتور: ۱۲۴۸۳۱۶۵۹۱۴ صادره از قروه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز وانت پیکان مدل ۱۳۸۸ به شماره انتظامی ۴۲۱ب۶۵-ایران۹۴ به شماره موتور ۱۱۴۸۸۰۰۵۶۷۰ و شماره شاسی NAAA۳۶AA۲۹G۸۳۵۹۲۹ بنام امیر حسرتی ساسانسرا مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.
رضوانشهر

سند مالکیت (برگ سبز) و سند کمپانی (کارخانه) و کلیه مدارک خودروی سواری سیستم سایپا تیپ ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۳ به رنگ نقره ای - متالیک به شماره موتور ۵۲۲۹۱۹۱ و شماره شاسی NAS۴۱۲۱۰۰E۳۶۳۴۰۵۳ و شماره پلاک ایران ۶۹ - ۹۵۶ ج ۷۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. بندرترکمن

برگ سبز کامیونت ون سیستم زامیاد تیپZ۲۴NIBMمدل ۱۴۰۰به‌شماره NAZPL۱۴۰BM۰۶۰۵۵۰۹:VIN به شماره موتور M۲۴۸۵۹۸۸۱M و به شماره پلاک ایران ۹۱-۹۲۲ن۴۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
مشگین‌شهر

برگ سبز و سند فروش (کمپانی) خودرو سواری دوگانه سوز پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۵ شماره انتظامی ۷۹-۹۴۴ب۹۵ شماره موتور ۱۲۴۸۵۲۳۰۰۶۲ و شماره شاسی ۴۰۴۰۲۱۸۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (قزوین)

برگ سبز خودرو سواری پراید. رنگ سفید روغنی. مدل۱۳۸۷ شماره انتظامی۸۳ . ۹۸۴ب۵۴ شماره موتور۲۵۹۳۶۷۲ شماره شاسی s۱۴۱۲۲۸۷۵۲۳۲۳۲ به نام زهرا رضایی نسب مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد. نورآباد